

گاهنگاری محوطه‌ی باستانی کن بینو (تل گوینه) بر اساس مطالعه‌ی سفال‌های به‌دست آمده از بررسی روشمند

قادر شیروانی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا
gshiravani@gmail.com

رضا مهرآفرین

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

مریم کردستانی

دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۲۴
(از ص ۸۷ تا ۱۰۶)

چکیده

با وجود انجام فعالیت‌های باستان‌شناختی متعدد طی سده‌ی اخیر در استان خوزستان، توجه چندانی به بخش‌های شرقی این استان، از جمله شهرستان بهبهان نشده است. شرایط جغرافیایی و زیست‌محیطی مناسب، از جمله رودخانه‌های دائمی، دشت حاصلخیز و موقعیت ارتباطی و تجاری این شهرستان و در مقابل نبود و فقر اطلاعات باستان‌شناختی جامع از ادوار مختلف فرهنگی، انجام یک مطالعه و بررسی روشمند بر روی یکی از محوطه‌های بزرگ و شاخص منطقه را ضروری می‌نماید. بدین منظور، بررسی روشمند محوطه‌ی باستانی کن بینو، به‌عنوان بزرگترین محوطه باستانی شناسائی شده در بخش زیدون، واقع در نیمه‌ی جنوبی شهرستان، با استفاده از روش «نمونه‌برداری روشمند طبقه‌بندی شده»، به انجام رسیده است. در این مقاله پرسش اصلی این است که محوطه کن بینو در چه دوره یا دوره‌هایی مسکون بوده است؟ بنابراین در همین راستا سعی شده است که با تکیه بر نتایج حاصل از گونه‌شناختی و مقایسات تطبیقی نمونه‌های سفالین به‌دست آمده از بررسی روشمند، به گاهنگاری و شناخت دوره‌های استقرار محوطه پرداخته شود. مطالعه نمونه‌های سفالی نشان می‌دهد که این محوطه در دوره‌ی پیش از تاریخ، از حدود اوایل هزاره ششم ق.م. تا اوایل هزاره چهارم ق.م. مسکون بوده و پس از آن احتمالاً یک وقفه استقرار تا اوایل هزاره سوم ق.م. در محوطه به‌وجود آمده است. اما هم‌زمان با شروع دوره‌ی ایلام، بار دیگر محوطه‌ی مسکون شده و این استقرار تا قرون متأخر اسلامی و هم‌زمان با دوره‌ی صفوی ادامه داشته است.

کلیدواژگان: بررسی روشمند، بهبهان، سفال، گاهنگاری، محوطه‌ی کن بینو.

۱. این مقاله برگرفته از برنامه‌ی پژوهشی بررسی روشمند محوطه باستانی کن بینو در چارچوب مجوز پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی به شماره ۷۰۲۸/۲۰۸/۸۹۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۱ و پایان‌نامه کارشناسی ارشد قادر شیروانی به راهنمایی رضا مهرآفرین است. سرپرستی فعالیت میدانی را قادر شیروانی برعهده داشته و مریم کردستانی تحت عنوان معاون هیأت در بخش میدانی در انجام مقایسات تطبیقی گونه‌های سفالی به‌دست آمده هم‌کاری داشته است.

مقدمه

شهرستان بهبهان در جنوب شرقی استان خوزستان واقع شده است. این شهرستان دارای موقعیت کوهستانی و جلگه‌ای است و از نظر ریخت‌شناسی جغرافیایی دارای دو دشت، یعنی دشت بهبهان در نیمه شمالی و دشت زیدون در نیمه جنوبی شهرستان است (اقتداری، ۱۳۷۵: ۲۲). دشت زیدون، توسط بخش کوهستانی و ارتفاعات شمالی از دشت بهبهان و توسط تپه‌ماهورها و ارتفاعات رگ سفید از سواحل خلیج فارس جدا می‌شود. مهم‌ترین عامل سیرابی دشت رودخانه دایمی زهره (هندیجان) است. رودخانه‌ی زهره از به‌هم پیوستن چند رودخانه از جمله رود فهلیان، رود نورآباد ممسنی و رود خیرآباد تشکیل می‌گردد (گاوبه، ۱۳۵۹: ۲۲) و پس از وارد شدن به دشت زیدون، مسیری به‌طول حدود ۷۰ کیلومتر را در دشت سپری می‌کند. همین عامل و وجود زمین‌های حاصل‌خیز واقع در دشت، در گذشته موجب تشکیل استقرارگاه‌های متعددی در اطراف رودخانه شده است. اما باوجود اهمیت این منطقه از دیدگاه کشاورزی، زیست‌محیطی و موقعیت ارتباطی و تجاری آن و همچنین وجود آثار و محوطه‌های باستانی فراوان، دانسته‌های باستان‌شناختی ما از این منطقه بسیار اندک است.

محوطه‌ی کن‌بینو (تل گوینه)، بزرگ‌ترین (وسیع‌ترین) محوطه‌ای است که تاکنون در دشت زیدون و حاشیه‌ی رود زهره شناسایی شده و چندین دوره فرهنگی را در بر می‌گیرد. نمونه‌برداری روشمند این محوطه به سرپرستی نگارنده (نگارنده اول) به انجام رسیده است (شیروانی، ۱۳۹۰). شاید بتوان گفت این محوطه از لحاظ وسعت بزرگ‌ترین محوطه‌ای است که تاکنون در ایران مورد بررسی روشمند علمی (بررسی روشمند از طریق جمع‌آوری یافته‌های حداقل ۱۰٪ از شبکه مربعات) قرار گرفته است. از طرفی حجم زیاد و تنوع یافته‌ها و مواد فرهنگی سطحی محوطه، اهمیت آن را در ادوار مختلف فرهنگی نشان می‌دهد. در این بررسی بیش از ۲۵۰ هزار یافته‌ی فرهنگی از جمله: سفال، ابزار و ادوات سنگی، ظروف سنگی، آویز و مهره‌های تزئینی فلزی و سنگی، سکه، اشیاء و زیورآلات فلزی و شیشه‌ای، پیکرک، مهر، سرپیکان جنگی از جنس سنگ و فلز، تکه‌های ظروف شیشه، سرباره فلزی و جوش کوره، بقایای معماری، کوره‌های سفال‌گری، کارگاه تولید ابزار سنگی و ... مورد مطالعه قرار گرفته است. مقایسات تطبیقی یافته‌ها به‌ویژه نمونه‌های سفالی و گاهنگاری محوطه در شناخت توالی فرهنگی منطقه اهمیت بسزایی دارد و راه را برای مطالعات بعدی، از جمله شناخت روابط فرهنگی درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هموار خواهد ساخت. در این مقاله سعی شده با استفاده از نتایج حاصل از مطالعه و مقایسات تطبیقی سفال‌های به‌دست آمده از بررسی روشمند محوطه، به گاهنگاری و چگونگی توالی استقراری آن پرداخته شود.

موقعیت و وضعیت ظاهری محوطه

محوطه‌ی باستانی کن‌بینو (تل گوینه)^۱ در حاشیه‌ی جنوبی رودخانه زهره، در بخش زیدون، واقع در جنوب شهرستان بهبهان و در کم‌تر از یک کیلومتری شمال شرق

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به: (شیروانی، ۱۳۹۱).

۲. این محوطه طی بررسی سال ۱۳۸۷ به دلیل نزدیکی به روستای تل گوینه، به نام محوطه تل گوینه نام‌گذاری شده است. اما اهالی روستاهای مجاور این محوطه را به نام کن‌بینو (Kon-e Binou) می‌شناسند.

روستای تل گوینه قرار دارد. این محوطه دارای وسعت بیش از ۲۵۰ هکتار است و با طول بیشتر از ۵ کیلومتر و عرض ۲۰۰ تا ۸۰۰ متر، در راستای طولی شمال غربی - جنوب شرقی، در امتداد رودخانه کشیدگی دارد. بخش شمالی و شرقی این محوطه را رود زهره و بخش غربی و جنوبی آن را زمین‌های کشاورزی در بر گرفته است. امروزه این محوطه تقریباً با زمین‌های اطراف هم‌سطح است. به جز سه برجستگی که در سال‌های اخیر به واسطه خاک‌برداری کانالی در بخش شمالی این محوطه به وجود آمده است، دیگر بخش‌های محوطه فاقد برجستگی خاصی بوده و تنها برجستگی‌های ملایمی با اختلاف ارتفاع ۱ تا ۳ متر در سطح محوطه پراکنده‌اند. بیشتر بخش‌های این محوطه توسط فرسایش ناشی از آب باران و پس‌آب‌های کشاورزی، آسیب دیده و بریدگی‌ها و آبراهه‌های عمیقی در سطح آن ایجاد شده که معمولاً به سمت رودخانه عمیق‌تر می‌شوند. وجود رودخانه دائمی زهره در بخش شمالی و شرقی محوطه، به‌خصوص در سال‌های پرآبی و طغیان آن، باعث از بین رفتن بخش عظیمی از محوطه در بخش‌های مذکور و در نتیجه ایجاد برشی عمودی که گاهاً ارتفاع آن به ۱۰ متر می‌رسد، شده است (شکل ۲). به جز عوامل طبیعی، عوامل انسانی متعددی نیز در تخریب این محوطه دخالت دارند، از جمله حفاری غیرمجاز، فعالیت‌های کشاورزی و تسطیح روزافزون و پیش‌رونده در اطراف محوطه و همچنین حفارچاه، ایجاد موتورخانه و کانال انتقال لوله آب از حاشیه رودخانه به سمت مزارع، که در سال‌های اخیر به محوطه آسیب‌های فراوانی رسانده است.

پیشینه‌ی پژوهشی محوطه

پیش از انجام بررسی روشمند محوطه کن بینو، هیچ‌گونه فعالیت جامع باستان‌شناختی در این محوطه به انجام نرسیده است. «دونالد مک‌کاون» در سال ۱۹۴۸ م. بررسی خود را در پیرامون اهواز شروع کرد و تا مناطق رامهرمز، هندیجان و بهبهان برای یافتن تپه‌ای چند دوره‌ای به‌منظور کاوش در این منطقه انجام داد. با در نظر گرفتن شیوه‌ی سنتی بررسی مک‌کاون و این حقیقت که او فقط تپه‌هایی را بررسی کرده بود که از طریق جاده‌های ماشین‌رو قابل شناسایی بودند (علیزاده، ۱۳۶۹: ۳۴-۳۵) دور از انتظار نیست که نام‌برده، محوطه‌ی کن بینو را که تقریباً هم‌سطح با زمین‌های اطراف است، ندیده باشد. «هانس نیسن» و «چارلز ردمن» در سال ۱۹۷۱ م. در دشت بهبهان مطالعات و بررسی‌هایی انجام دادند که شامل بررسی اطراف بهبهان، بررسی اطراف رود زهره (دشت زیدون) و دو گمانه‌زنی در اطراف بهبهان می‌شده است (Nis- sen & Redman: 1971). در گزارش آن‌ها، به هیچ محوطه‌ای مربوط به هزاره‌های سوم و دوم ق.م. (دوره‌ی ایلامی) اشاره نشده است؛ در صورتی که بیشترین آثار و مواد فرهنگی محوطه‌ی کن بینو مربوط به دوره ایلامی است. «هاینس گاوپه»، ضمن بررسی‌هایش در منطقه بهبهان و دشت زیدون، از محوطه کن بینو بازدید کرده است. گاوپه معتقد است: این محوطه از زمان پارت‌ها تا آغاز دوره‌ی اسلامی مسکون بوده و وسعت آن را تقریباً ۱۷۰۰×۸۰۰ متر بیان می‌دارد. (گاوپه، ۱۳۵۹: ۳۳۸-۳۳۹)؛ بنابراین گاوپه نیز این محوطه را به‌طور کامل ندیده است. پس از آن «احمد اقتدارای»، در زمستان ۱۳۵۶ ه.ش. از منطقه زیدون دیدن کرده و محوطه کن بینو را مورد بازدید قرار داده است. اقتدارای در توصیف این محوطه در کتاب: «خوزستان و کهگیلویه و



شکل ۱: نمایی از محوطه باستانی کن‌بینو (عکس: قادر شیروانی، ۱۳۹۱) ◀

ممسنی»، از مطالب نوشته شده توسط گاوبه استفاده کرده است (اقتداری، ۱۳۷۵: ۳۲۴). جدیدترین و کامل‌ترین بررسی انجام شده در منطقه زیدون و اطراف رود زهره توسط هیأتی متشکل از «کامیار عبدی»، «محمدتقی عطایی» و «شهرام زارع» در سال ۱۳۸۷ ه.ش. به انجام رسیده است که طی آن آثار و محوطه‌های باستانی دشت زیدون شناسایی و بررسی شده است. در این بررسی نیز محوطه مورد نظر به‌طور کامل مورد بازدید قرار نگرفته است. عبدی و همکارانش اظهار می‌دارند که این محوطه در دوره‌های ایلامی و اسلامی مسکون بوده است؛ همچنین در این بررسی تعداد کمی سفال پیش از تاریخی نیز دیده شده که در این مورد با تردید آن‌ها را انتقالی می‌دانند (عبدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۱۱-۶۰۶). بررسی روشمند محوطه کن‌بینو در بهار سال ۱۳۹۰ ه.ش. به سرپرستی نگارنده (قادر شیروانی)، با دو هدف عمده‌ی گاهنگاری نسبی و شناخت محدوده استقرار هر دوره فرهنگی در محوطه، به انجام رسید.

روش بررسی و نمونه‌برداری

نمونه‌برداری در این پژوهش بر اساس یکی از روش‌های از پیش تعریف شده علمی، یعنی «نمونه‌برداری روشمند طبقه‌بندی شده» صورت گرفته است. این روش برگرفته از دو الگوی نمونه‌برداری «تصادفی روشمند» و «تصادفی طبقه‌بندی شده» است (عطایی، ۱۳۸۳: ۲۷) و خطاهای احتمالی آن نسبت به روش‌های نمونه‌برداری تصادفی کم‌تر است (Derewtt, 1999: 44).

شبکه‌بندی و نام‌گذاری واحدها

پس از تهیه و ترسیم نقشه مسطحاتی محوطه، در ابتدا محوطه به شبکه‌هایی با ابعاد ۲۰۰×۲۰۰ متر، یعنی مربع‌های ۴ هکتاری شبکه‌بندی شد. پس از آن، هر

یک از مربع‌های ۲۰۰×۲۰۰ متر، در یک شبکه‌بندی کوچک‌تر به ۱۰۰ واحد با ابعاد ۲۰×۲۰ متر تقسیم شدند، بدین‌صورت که در ۱۰ ردیف و ۱۰ ستون واقع شدند. جهت شماره‌گذاری این واحدها از ستون و ردیف قرارگیری هر واحد استفاده شد، بدین‌صورت که ابتدا ستون‌ها با اعداد ۱ تا ۱۰ و ردیف‌ها با حروف لاتین a تا z نام‌گذاری گردید. پس از آن با کنار هم گذاشتن نام ستون و ردیف قرارگیری هر واحد نام آن مشخص شد. به‌عنوان نمونه، واحدی که در ردیف سوم و ستون سوم مربع شماره ۵۱ قرار دارد، با نام «51c3» شناخته می‌شود.

نمونه‌برداری

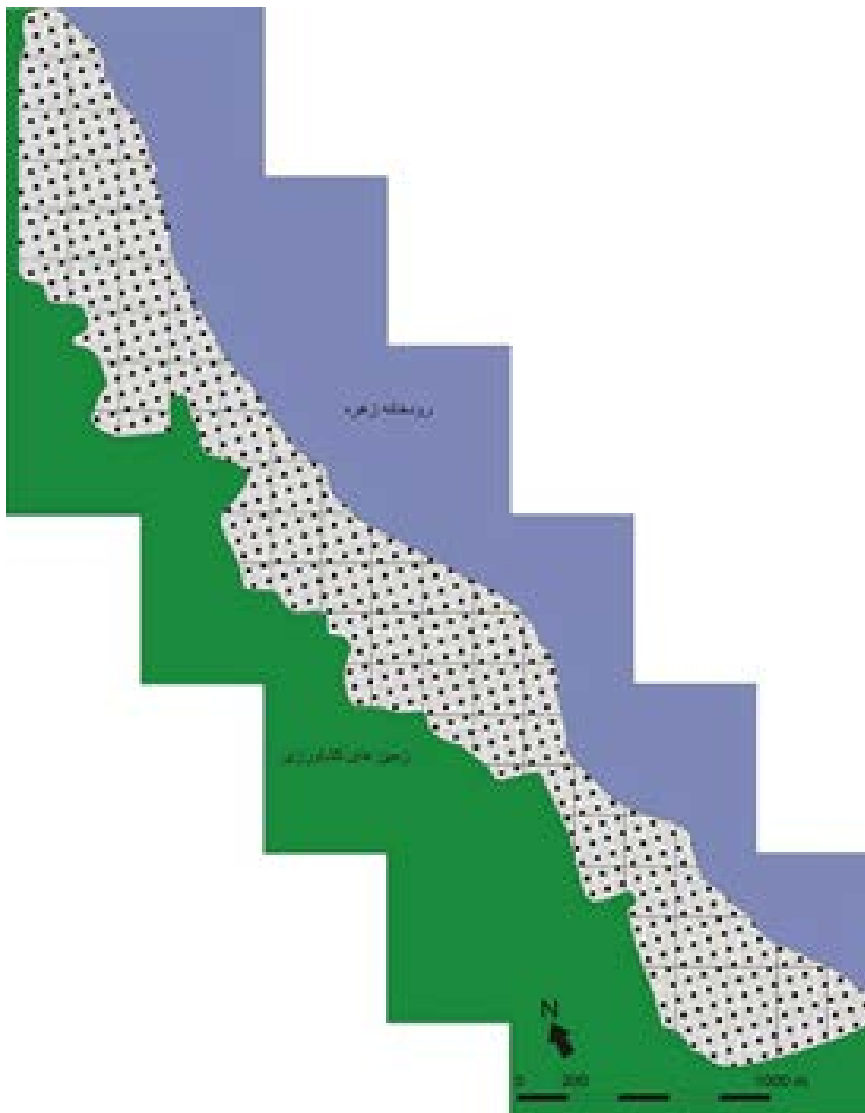
همانطور که گفته شد، نمونه‌برداری در این بررسی، به شیوه «روشمند طبقه‌بندی شده» بوده است. معمولاً الگوی طبقه‌بندی شده به‌منظور تفاوت در نوع و میزان برداشت از بخش‌های مختلف و مجزای محوطه‌ها اعمال می‌شود (Orton, 2000: 539-542)، اما در این پژوهش الگوی طبقه‌بندی به‌منظور تفاوت در روش و میزان نمونه‌برداری در نوع یافته‌ها اعمال شده است. بدین‌صورت که پس از شبکه‌بندی محوطه، یافته‌های فرهنگی غیرمنقول سطحی (شامل بقایای معماری، کوره‌ها و...) در تمام واحدها و یافته‌های منقول (سفال، ابزار و...)، از تنها ۱۰٪ از واحدها نمونه‌برداری و مطالعه شده است. جهت انتخاب این ۱۰٪، پس از بررسی روش‌های مختلف، روشی به‌کار گرفته شد، که در مجموع بهترین پراکنش واحدهای قابل نمونه‌برداری و بیشترین پوشش را در محوطه داشته باشد (شکل ۲).

محوطه باستانی کن‌بینو در ادوار مختلف باستانی با توجه به سفال‌های به‌دست آمده

در مجموع تعداد ۲۴۵۰۷۳ قطعه یافته سفالی از این محوطه به‌دست آمده است و از این تعداد، ۲۴۳۶۶۵ قطعه سفال (ظروف سفالی) و مابقی دیگر اشیاء سفالی از جمله پیکرک، مهر، سردوک و... را شامل می‌شود. به‌منظور گانه‌نگاری سفال‌های به‌دست آمده، از هر گروه از گونه‌های مشابه موجود در کل جامعه، یک نمونه شاخص که وضعیت سلامت بهتری را نسبت به بقیه داشت، انتخاب شد که در مجموع حدود ۱۴۰۰ نمونه شاخص از کل مجموعه جمع‌آوری گردید. این نمونه‌های شاخص پس از طراحی و گونه‌شناسی و هم‌چنین مقایسات تطبیقی، جهت گانه‌نگاری محوطه مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج گانه‌نگاری محوطه به شرح ذیل است.

محوطه باستانی کن‌بینو در پیش از تاریخ

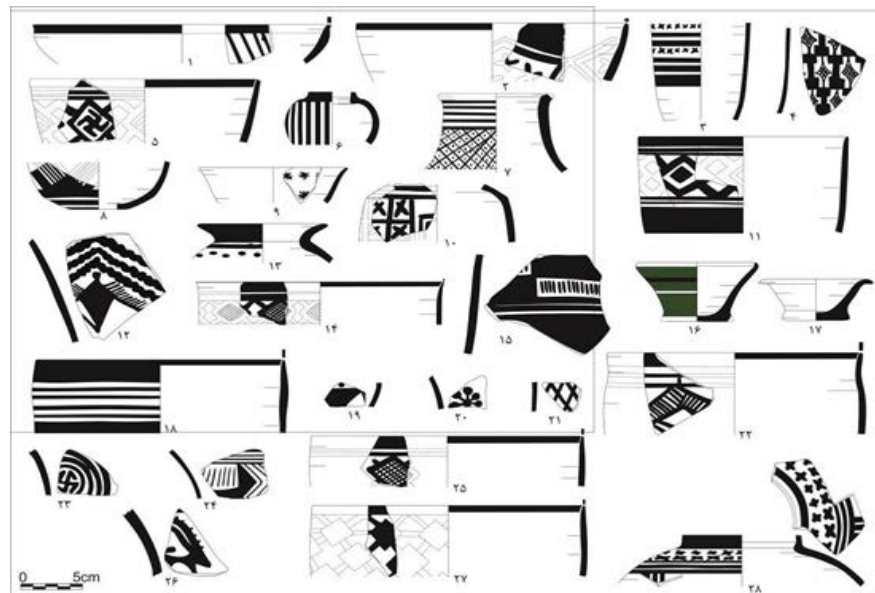
با توجه به قرارگیری شهرستان بهبهان در حدفاصل فرهنگ‌های پیش از تاریخی فارس در شرق و خوزستان (سوزیانا) در غرب، جهت شناخت ادوار پیش از تاریخی محوطه کن‌بینو سفال و دیگر یافته‌های به‌دست آمده از دو حوزه فرهنگی فارس و خوزستان مورد مطالعه قرار گرفته و جهت مقایسات تطبیقی و گانه‌نگاری سفال‌های به‌دست آمده از این محوطه استفاده شده است. گونه‌شناختی و مقایسه تطبیقی نمونه‌های شاخص نشان می‌دهد که تعداد ۳۵۸ قطعه از نمونه‌های شاخص، مربوط به پیش از تاریخ، از اوایل هزاره ششم تا اوایل هزاره چهارم ق.م. هستند. سفال‌هایی



شکل ۲: نقشه همسطح محوطه و واحدهای نمونه‌برداری شده (ترسیم: قادر شیروانی، ۱۳۹۱).

با نقوش هندسی از جمله خطوط موازی مستقیم یا مورب، خطوط متقاطع، لوزی‌های مشبک، نقوش نردبانی، زیگزاگ، نقطه، ضربدرهای متوالی و چلیپا، همچنین تعداد کمی نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی مربوط به پیش از تاریخ از این محوطه به‌دست آمده است (لوحة ۱).

مطالعه نمونه‌های سفالی نشان می‌دهد که تعداد انگشت شماری از سفال‌های پیش از تاریخی این محوطه (لوحة ۱: ۷ و ۲۱) با سفال‌های دوره شوشان عتیق به‌دست آمده از محوطه‌های مختلف خوزستان، قابل مقایسه است. اندک بودن سفال‌های قابل انتساب به دوره شوشان عتیق و این واقعیت که سفال شوشان قدیم ادامه‌ی سنت سفال‌گری دوره پیشین، یعنی شوشان عتیق است (علیزاده، ۱۳۸۲: ۸۲)، گاهنگاری محوطه را در این دوره، قدری با مشکل روبه‌رو می‌سازد. از طرفی هرچند که نمونه‌های قابل انتساب به دوره شوشان قدیم نیز از درصد بالایی برخوردار نیستند، با این حال شواهد ما برای دوره شوشان قدیم با اطمینان‌تر است. اما با وجود شباهت نقش‌مایه‌ها، بر خلاف این موضوع که ماده چسباننده (شاموت)



► لوحه ۱: برخی نمونه‌های سفالی محوطه کن بینو (طرح: قادر شیروانی، ۱۳۹۱).

سفال‌های دوره شوشان قدیم در خوزستان مشخصاً شن و ماسه است (همان: ۴۴)، ماده چسباننده سفال‌های محوطه کن بینو بیشتر گیاهی است (لوحه ۱: ۹-۸). با این حال، می‌توان پذیرفت که این محوطه در اوایل هزاره ششم ق.م. (همزمان با دوره شوشان قدیم) مسکون شده است. پس از آن به‌نظر می‌رسد که محوطه در طول هزاره پنجم ق.م. تا اوایل هزاره چهارم ق.م. بدون وقفه مورد استفاده قرار گرفته است. این موضوع را نمونه‌های قابل مقایسه با سفال‌های شوشان میانه و شوشان جدید در خوزستان و همچنین سفال‌های باکون ب، گپ و باکون الف در فارس به روشنی نشان می‌دهد. همچنین مطالعه سفال‌ها نشان می‌دهد که از اوایل هزاره پنجم ق.م. شباهت سفال‌ها با سفال‌های فارس بیشتر و به همین میزان از شباهت‌های سفالی با دشت شوشان کاسته می‌شود، به‌طوری که در اواخر هزاره پنجم ق.م. سفال‌ها بیشتر با دوره باکون الف قابل مقایسه‌اند تا شوشان جدید. بررسی محدوده پراکنش یافته‌های این دوره به‌خصوص سفال‌ها روشن می‌سازد که در هفت بخش (محدوده) از این محوطه، استقرار پیش از تاریخی وجود داشته است که کوچک‌ترین آن‌ها دارای وسعت کم‌تر از نیم هکتار و بزرگ‌ترین محدوده پیش از تاریخی در بخش میانی وسعتی نزدیک به ده هکتار را دارد.

شواهد ما بر اساس یافته‌های سفالی مربوط به استقرار محوطه از نیمه اول هزاره چهارم ق.م. تا اوایل هزاره سوم ق.م. بسیار ناچیز و تقریباً هیچ است. این محدوده‌ی زمانی در فارس با دوره لپویی (۳۹۰۰-۳۴۰۰ ق.م.) و بخشی از دوره بانس و در خوزستان با دوره شوش ۲ یا دوره اوروک (۳۸۰۰-۳۱۰۰ ق.م.) و آغاز نگارش شناخته می‌شود. این دوره از برخی جهات در باستان‌شناسی منطقه اهمیت اساسی دارد؛ از جمله شکل‌گیری نخستین حکومت‌ها در جنوب بین‌النهرین و جنوب‌غربی ایران و مرحله ابداع نگارش در دوره اوروک جدید (عبدی، ۱۳۷۸: ۶۴-۸۴). تغییراتی را که مبنی بر متروک و ویران شدن روستاهای دشت شوشان در ربع سوم هزاره

۱. از آن‌جا که هدف از نگارش این مقاله شناخت و معرفی دوره‌های استقرار محوطه است، از ارائه نمودارهای مقایسه‌ای و نقشه‌های معرف گستره استقرار هر دوره خودداری شده است، لذا جهت کسب اطلاعات جزئی‌تر در این زمینه رجوع شود به: (شیروانی، ۱۳۹۱).

جدول ۱: کاتالوگ سفال مربوط به لوحه ۱ (قادر شیروانی، ۱۳۹۱).

شماره	نام واحد	توصیف (رنگ خمیره، آمیزه، نوع ساخت، کیفیت ساخت، میزان پخت، پوشش، تزئین)	دوره / محدوده زمانی	منبع مقایسه و گاهنگاری
۱	41f4	نخودی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش قهوه‌ای مایل به سبز	باکون ب	Weeks et al, 2009: 412, fig 3.159, TNP 1272
۲	41c3	نخودی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش قهوه‌ای مایل به سبز	باکون الف	Ibid.321, fig 3.96 TNP 921
۳	41c3	نخودی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود، هر دو، نقش سبز تیره بر بیرون	شوشان جدید	Delugaz & Kantor, 1996: P1159:1
۴	41g1	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، کافه، پوشش از خود، هر دو، نقش قهوه‌ای		—
۵	41c3	نخودی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش سیاه		—
۶	37f4	نخودی تیره، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش قهوه‌ای متمایل به سیاه	شوشان میانه	Ibid.P1 173: A
۷	37j2	نخودی نارنجی، ترکیبی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش نخودی بر هر دو، نقش قهوه‌ای بر بیرون	شوشان عتیق؟	Ibid.P1 229: H
۸	41g1	نخودی مایل به سبز، ترکیبی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش قهوه‌ای تیره بر بیرون	شوشان قدیم	Dollfus, 1983: 233, fig81: 15 and 235, fig82: 7
۹	41f4	نخودی مایل به سبز، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود، نقش قهوه‌ای مایل به سیاه	شوشان قدیم و میانه	Ibid. 217, fig 72
۱۰	41c3	نخودی مایل به سبز، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش قهوه‌ای مایل به سبز	شوشان میانه باکون الف	Ibid. 203, fig 64:11 Alizade, 2006: P1 3: 10
۱۱	41c3	نخودی مایل به سبز، ترکیبی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش قهوه‌ای مایل به سبز بر بیرون	گپ	Egami & Masuda, 1962: P1 XXXII : B5
۱۲	37f4	نخودی مایل به سبز، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، کافه، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، نقش بر بیرون	باکون الف شوشان جدید	علیزاده، ۲۰۰۳: ۳۲۷، شکل ۵، ۷ Delougaz & Kantor, 1996: P1 160: 1
۱۳	37f4	نخودی، ترکیبی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش قهوه‌ای سوخته	شوشان میانه	Ibid.P1 190: 1 Dollfus, 1983: 189, fig 57: 15
۱۴	41c3	نخودی مایل به سبز، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، پوشش از خود بر هر دو، نقش سبز	شوشان میانه باکون	Ibid. 233, fig 81: 14 Egami & Masuda, 1962: 32, fig 15 : 3
۱۵	41f4	نخودی، ترکیبی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش سبز بر بیرون	باکون گپ	Nishiaki, 2003: 155, P174:2 Egami & Masuda, 1962: 83, fig 13: 8
۱۶	37f4	نخودی مایل به سبز، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش سیاه و سبز بر بیرون	باکون ب	Weeks et al, 2009: 301, fig3.84: Tnp13:34
۱۷	37h8	نارنجی، ترکیبی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، ساده		—
۱۸	41c3	نخودی مایل به سبز، گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش قهوه‌ای	باکون ب	Nishiaki, 2003: 119, P1 56: 2
۱۹	37f4	نخودی، ترکیبی، چرخ‌ساز، ظریف، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش سبز	شوشان میانه باکون ب	Delougaz & Kantor, 1996: P1171: D Egami & Masuda, 1962: P1 IV:17, 33 fig 16: 16
۲۰	37f4	نخودی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش سبز	باکون شوشان میانه	Langsdorff & McCown, 1942: p142: 19 Delougaz & Kantor, 1996: P1 186
۲۱	37e7	نخودی روشن، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش نخودی مایل به سبز بر هر دو، نقش قهوه‌ای	شوشان عتیق	Ibid. P1 62:DD
۲۲	41g1	نخودی مایل به سبز، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش رقیق از خود بر هر دو، نقش قهوه‌ای مایل به سبز	باکون ب	Egami & Masuda, 1962:32, fig 15: 13
۲۳	41f4	نخودی روشن، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش قهوه‌ای متمایل به سیاه	باکون الف	Weeks et al, 2009:311, fig 3.89 : Tnp1101
۲۴	3i5	نخودی روشن، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش سبز متمایل به قهوه‌ای	گپ	Taylor, 2007: 27
۲۵	41c3	نخودی تیره، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش غلیظ نخودی مایل به سبز بر هر دو، نقش قهوه‌ای مایل به سیاه	باکون الف	Alizade, 2006: 179, Fig23: F
۲۶	41c3	نخودی تیره، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش از خود بر هر دو، نقش سبز		—
۲۷	41c3	نخودی روشن، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش رقیق از خود بر هر دو، نقش قهوه‌ای		—
۲۸	41c3	نخودی مایل به سبز، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافه، پوشش رقیق از خود بر هر دو، نقش سبز مایل به قهوه‌ای	شوشان میانه	Delougaz & Kantor, 1996: P1 190: G and P1 59: T

چهارم ق.م. به وقوع پیوست^۱ و این موضوع که در دوره اوروک جدید، با کاهش جمعیت یا استقرار مرتبط با اوروک در دشت شوشان (حدود ۵۸ درصد) و همین‌طور دشت رامهرمز روبه‌رو هستیم (جانسون، ۱۳۸۸: ۲۷۰)، تا حدودی این مسئله را توجیه می‌کند. همین موضوع در مورد منطقه فارس نیز مطرح است؛ در دوره لپویی در فارس شمار محوطه‌ها کم می‌شود و معمولاً زیست‌گاه‌ها در کنار چراگاه‌های طبیعی قرار دارند که نشان از گرایش بیشتر به دامداری است تا کشاورزی (هول، ۱۳۸۸: ۱۲۸). رایج‌ترین سفال این دوره ظروف با لوله مستقیم و یا خمیده، سبوه‌های چهار دسته با نقش‌کننده و مخروط‌های مرمری و سفالی است (علیزاده، ۱۳۸۲:

۱. جانسون این تغییرات را نتیجه کشمکش و درگیری در این دوره می‌داند که در سراسر بین‌النهرین به وقوع پیوسته است.

۵۲). یکی دیگر از پدیده‌های این دوره، پیدایش ظروف ساده و زمختی موسوم به «کاسه‌های لبه‌واریکته» است که هم در خوزستان و هم در فارس گزارش شده و درصد فراوانی آن در برخی محوطه‌ها گاهی به ۹۰٪ هم می‌رسد (عبدی، ۱۳۷۸). با این حال در بررسی روشمند محوطه کن‌بینو، حتی یک نمونه کاسه لبه‌واریکته پیدا نشده است. از طرفی هنری رایت، نبود مدارکی مبنی بر وجود سفال‌های ویژه دوره اوروک جدید در دشت رامهرمز و مناطق جنوب‌شرقی را چنین توجیه می‌کند که اگر این مناطق در دوره مذکور مورد بهره‌برداری بوده‌اند، ساکنین منطقه از دست‌ساخته‌هایی استفاده می‌کردند که هنوز برای ما ناشناخته‌اند (رایت، ۱۳۸۸: ۳۰۰). بنابراین با این که از شواهد برمی‌آید، محوطه کن‌بینو در این دوره متروک بوده است، وجود تنها چند قطعه محدود سفال (لوحه ۲: ۳-۱) که با تردید قابل انتساب به این دوره هستند، ما را از احتمال وجود استقرار ضعیف در نیمه دوم هزاره چهارم تا اوایل هزاره سوم ق.م. و امکان پوشیده شدن آن با لایه‌ها و نهشته‌های در خور توجه دوره ایلامی، ناامید نمی‌کند. این موضوع با گمانه‌زنی در محوطه روشن خواهد شد.

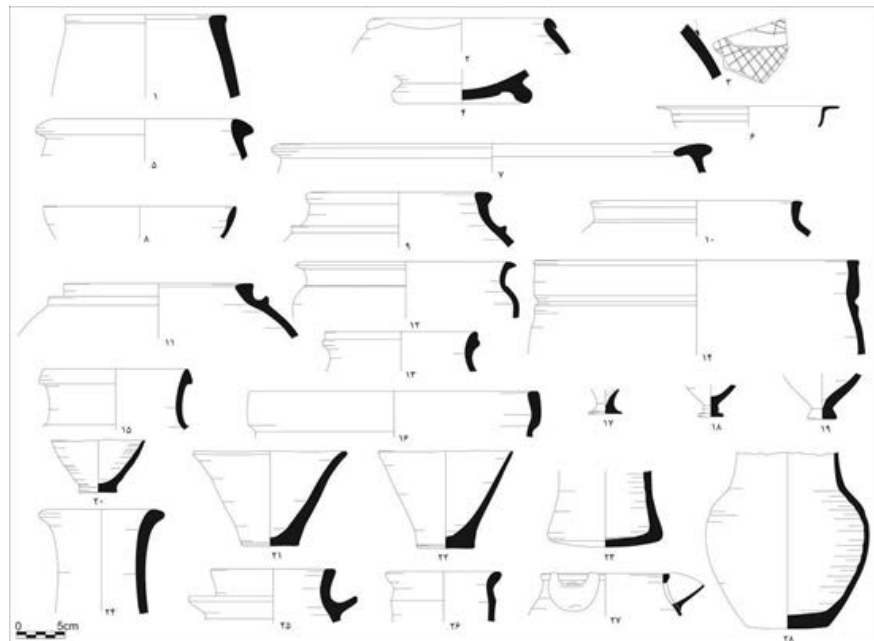
محوطه باستانی کن‌بینو در دوران تاریخی

دوران تاریخی، در قسمت‌های شمال فلات ایران، از اوایل هزاره اول ق.م. و در قسمت‌های جنوبی و جنوب‌غربی ایران از اوایل هزاره سوم ق.م. و با شروع تاریخ ایلام آغاز گردیده است و تا فروپاشی ساسانیان به‌دست مسلمانان ادامه می‌یابد. مقایسه نمونه‌های سفالی محوطه کن‌بینو نشان می‌دهد که این محوطه در تمام طول دوره تاریخی مسکون بوده است (لوحه‌های ۲ و ۳).

این محوطه در دوره ایلامی در سه بخش مسکون بوده است که وسعت بخش میانی بیش از ۹۰ هکتار بوده است. سفال‌های این دوره از طریق مقایسه با نمونه‌های به‌دست آمده از محوطه‌های گاهنگاری شده‌ای چون: شوش، هفت‌تپه، چغازنبیل و چغامیش در خوزستان و تل اسپید و ملیان در فارس گاهنگاری شده‌اند. مطالعه نمونه‌های سفالی نشان می‌دهد که محدوده شمالی و محدوده جنوبی بیشتر در دوره ایلام قدیم مسکون بوده‌اند؛ اما بخش میانی از دوره ایلام قدیم مسکون شده و استقرار در این بخش تا دوره ایلام نو و بعد از آن ادامه یافته است. از جمله ظروف سفالی شاخص این دوره، ظروف و ساغرهای کف دکمه‌ای، خمره‌های با لبه پلکانی و لبه‌های رایج در دوره ایلام میانه (به‌ویژه محوطه هفت تپه) و ظروف آبریزدار ایلام نو است (لوحه ۲: ۲۸-۴).

از آن جا که سفال‌های هخامنشی منطقه در واقع ادامه سنت سفال‌گری ایلام نو بوده و از طرفی در برخی از گاهنگاری‌های انجام شده در خوزستان، لایه‌های ایلام نو و هخامنشی به خوبی تفکیک نشده است، بنابراین در مواردی تشخیص و تفکیک این سفال‌ها با مشکل همراه است. با توجه به این موضوع تعدادی از این سفال‌ها در گروه ایلام نو-هخامنشی شناخته می‌شود. سفال‌های این دوره از طریق مقایسه با نمونه‌های به‌دست آمده از محوطه‌های گاهنگاری شده‌ای چون: شوش، پاسارگاد، تخت‌جمشید، تپه یحیی و... گاهنگاری شده‌اند. بررسی و مطالعه سفال‌ها نشان می‌دهد که بخش میانی محوطه، در دوره هخامنشی مسکون بوده است (در

لوحه ۲: برخی نمونه‌های سفالی محوطه کن بینو (طرح: قادر شیروانی) ◀



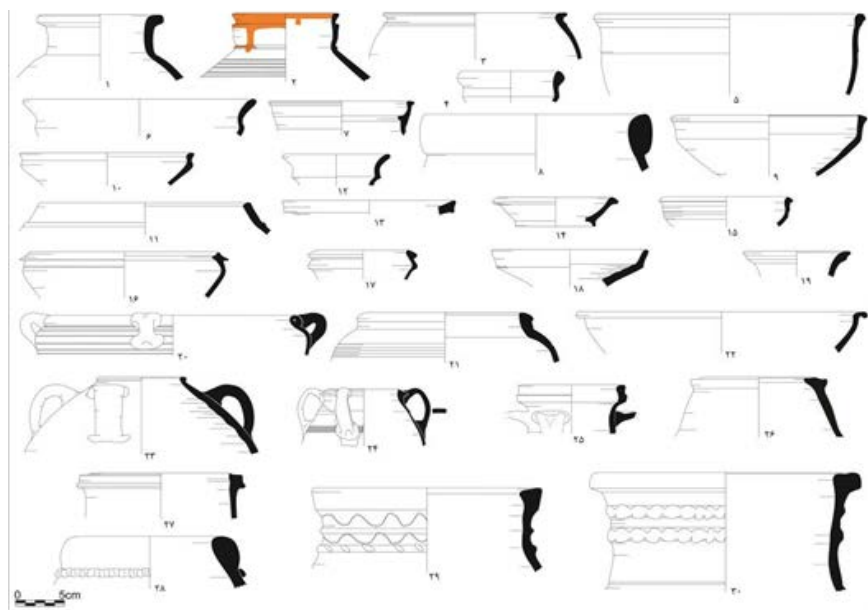
جدول ۲: کاتالوگ سفال مربوط به لوحه ۲ (قادر شیروانی، ۱۳۹۱). ◀

شماره واحد طرح	نام	توصیف (رنگ خمیره، آمیزه، نوع ساخت، کیفیت ساخت، میزان پخت، پوشش، تزیین)	دوره / محدوده زمانی	توضیحات / منبع گاهنگاری
49i5	۱	نخودی- نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، غلیظ از خود، ساده	پاش؟	Alden, 1979: 263, fig 40: 2
5f4	۲	نخودی مایل به زرد، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو (آثار دوده بر هر دو)، ساده	پاش؟	Ibid. 263, fig 41: 18
41c3	۳	نخودی مایل به سبز، کانی، دست‌ساز؟، متوسط، ناکافی، پوشش از خود بر بیرون، نقش کنده بر بیرون	آغاز نگارش؟	Delougaz & Kantor, 1996: Pl 112: A and Pl 19: P
55e7	۴	قرمز-نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، زمخت، ناکافی، پوشش غلیظ نخودی بر هر دو، ساده	ایلام قدیم- سوکل مخ	Carter, 1971: 408 fig 42: 21, 22
50f4	۵	نخودی مایل به زرد، ترکیبی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	ایلام قدیم به میانه	Petrie et al, 2009: 537, fig 4.81 TS 1271
47e7	۶	قرمز-نارنجی، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، کافی، پوشش از خود بر هر دو، ساده	ایلام قدیم	Ibid. 511, fig 4.68 TS 1393
50i5	۷	نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، پوشش رقیق از خود، ساده	ایلام قدیم	Ibid. 511, fig 4.68 TS 1443
45f4	۸	نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	ایلام قدیم	Ibid. 525, fig 4.75 TS 1185
50d10	۹	قرمز- نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، غلیظ از خود، ساده	ایلام میانه	Weeks et al, 2009: 365, fig 3.122 TNP 2460
66e7	۱۰	نخودی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش قهوه‌ای تیره بر بیرون، ساده	ایلام قدیم	Petrie et al, 2009: 355, fig 3.116 TNP 91 Alizadeh, 2008: 255, fig 23-D
49h8	۱۱	نخودی تیره، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، غلیظ نخودی مایل به سبز بر هر دو، ساده	ایلام میانه	Carter, 1996, Fig 22: 13
53g1	۱۲	نخودی، ترکیبی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، پوشش رقیق از خود، ساده	ایلام میانه	دومبروشیجی، ۱۳۷۶: ۱۰۱، شکل ۴۵ De Miroschedji, 1981(a): 61, fig 13: 5
51a9	۱۳	نخودی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	ایلام میانه	Carter, 1971: 412, fig 44: 9 Ibid. 1996: Fig 23: 7
59g1	۱۴	نخودی مایل به زرد، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، از خود بر هر دو، ساده	ایلام میانه	مفیدی، ۱۳۸۳: ۲۳۱، تابلو ۲: ۴
51a9	۱۵	نخودی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	ایلام میانه	گیرشمن، ۱۳۷۳: ۲۷۱، لوح ۳۶۸
54j2	۱۶	نخودی، ترکیبی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش رقیق از خود، ساده	ایلام میانه	De Miroschedji, 1981(a): 61, fig 13: 2
51a9	۱۷	نخودی روشن، گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، کافی، از خود بر هر دو، ساده	ایلام میانه	گیرشمن، ۱۳۷۳: ۲۳۱، لوح ۳۶۴
51b6	۱۸	خاکستری، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، از خود بر هر دو، ساده	ایلام میانه	Carter, 1971: 437, fig 56: 10
51a9	۱۹	نخودی، ترکیبی، چرخ‌ساز، ظریف، کافی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	ایلام میانه	نگهبان، ۱۳۷۲: ۱۵۹، طرح ۵
53g1	۲۰	نخودی-نارنجی، گیاهی، دست‌ساز، متوسط، ناکافی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	ایلام	گیرشمن، ۱۳۷۳: ۱۲۵، شکل ۳۶۹ Nicholas, 1980: 530 fig 166:C
50c3	۲۱	نخودی، گیاهی، دست‌ساز، زمخت، ناکافی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	ایلام میانه	Carter, 1994: 20 fig 5: 4 دومبروشیجی، ۱۳۷۶: ۱۰۲، شکل ۵۲
54b6	۲۲	نخودی-نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، پوشش از خود بر هر دو، ساده	ایلام نو	De Miroschedji, 1981(a): 99, fig 33: 7
49e7	۲۳	نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز؟، زمخت، ناکافی، غلیظ از خود بر هر دو، ساده	ایلام نو	Carter, 1996: Fig 26: 14 De Miroschedji, 1981(b): 156, fig 49: 6
53j2	۲۴	نخودی تیره، گیاهی، دست‌ساز؟، زمخت، ناکافی، پوشش از خود بر هر دو، ساده	ایلام نو	Ibid. 1981(a): 119 fig 43: 10
50j2	۲۵	نخودی-نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، زمخت، کافی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	ایلام نو	Ibid. 119, fig 43: 9
49b6	۲۶	نخودی-نارنجی، گیاهی، دست‌ساز؟، متوسط، ناکافی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	ایلام نو	Ibid. 81, fig 23: 9
20h8	۲۷	خاکستری روشن متمایل به نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، پوشش رقیق از خود، ساده	ایلام نو	Ibid. 105, fig 36: 8 Ibid. 1981(c): 181, fig 58: 3
46b6	۲۸	نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش غلیظ نخودی، ساده	ایلام نو	دومبروشیجی، ۱۳۷۶: ۱۰۳، شکل ۵۲۷

واقع استقرار دوره ایلام نو در بخش میانی ادامه یافته است). از بین سفال‌های شاخص دوره هخامنشی محوطه، می‌توان به کاسه‌های لاله‌ای شکل و زورقی اشاره کرد (لوحه ۳: ۶-۱).

در دوره سلوکی نیز، بخش میانی محوطه (ادامه استقرار هخامنشی)، مسکون بوده است، اما وسعت و گستره استقرار آن کم‌تر شده است. همچنین یک استقرار کوچک با وسعت کم‌تر از نیم هکتار در بخش جنوبی محوطه شکل گرفته است. باید توجه داشت که تفکیک و مطالعه سفال‌های دوره سلوکی در این منطقه و دیگر مناطق هم‌جوار، آن‌چنان که باید و شاید به انجام نرسیده و در برخی موارد سفال‌های این دوره با گزینه‌های هخامنشی-فراهخامنشی، فراهخامنشی یا سلوکی و همچنین سلوکی-پارتی مشخص شده است؛ بنابراین در این پژوهش، سفال‌های این دوره با موارد مذکور مقایسه شده است (لوحه ۳: ۱۷-۷). از جمله ظروف سفالی شاخص این دوره کاسه‌های زورقی شکل و ظروف موسوم به بشقاب ماهی است. سفال‌های دوره الیمایی (پارتی)، در سه بخش یا محدوده از محوطه به‌دست آمده است (لوحه ۳: ۲۳-۱۸). از جمله سفال‌های شاخص این دوره لبه تنگ‌های لعاب‌دار کوچک، خمیره‌هایی با لبه اژدری شکل، کاسه‌های با لبه آویران و ظروف با تزئینات شیاردار است.

در دوره ساسانی نیز همان سه بخش یا محدوده دوره الیمایی، مسکون بوده است؛ با این تفاوت که از وسعت محدوده جنوبی کمی کاسته شده و وسعت محدوده استقرار دوره الیمایی در بخش میانی محوطه، حدود دو برابر افزایش یافته است. مطالعه سفال‌ها (لوحه ۳: ۳۰-۲۴) نشان می‌دهد که استقرار دوره ساسانی در محوطه تا دوره اسلامی ادامه یافته است. به همین دلیل برخی از گونه‌های سفالی دوره ساسانی که در قرون اولیه اسلامی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفتند، از جمله تزئینات کنده شانه‌ای و موج و همین‌طور نقوش کنده و برجسته زیر لعاب قابل مقایسه با نمونه‌های به‌دست آمده از سیراف، در گروه سفال‌های ساسانی-اسلامی تقسیم‌بندی شده است (لوحه ۴: ۸-۱).



► لوحه ۳: برخی نمونه‌های سفالی محوطه کن بینو (طرح: قادر شیروانی، ۱۳۹۱).

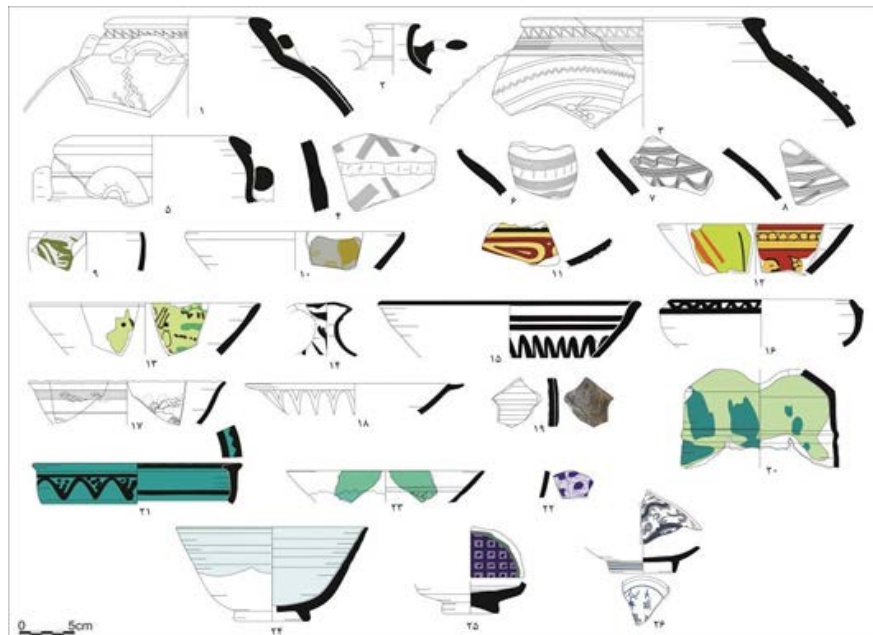
جدول ۳: کاتالوگ سفال مربوط به لوحه ۳ (قادر شیروانی، ۱۳۹۱).

شماره واحد طرح	نام	توصیف	دوره / محدودیت زمانی	توضیحات / منبع گاهنگاری
۱	59b6	نخودی، ترکیبی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش از خود بر هر دو، ساده	هخامنشی	استروناخ، ۱۳۳۹: شکل ۷-۱
۲	42h8	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، کانی، پوشش گلی رقیق از خود بر هر دو، نقش گل اخرا بر دو لبه بیرون و داخل و تزئین کنده شانه‌ای بر بیرون	؟	—
۳	49d10	نخودی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، لعاب گلی سبز پسته‌ای بر هر دو، ساده	هخامنشی	Alizadeh, 2008: 255, Fig 23: D
۴	79h8	خاکستری، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش غلیظ از خود، ساده	هخامنشی	استروناخ، ۱۳۳۹: شکل ۷-۶
۵	48j2	قرمز-نارنجی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، پوشش از خود بر هر دو، ساده	هخامنشی	Schmidt, 1957: Pl 74.NO10
۶	39g1	قرمز، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش قرمز-قهوه‌ای بر هر دو (+ دوده)، ساده	هخامنشی	استروناخ، ۱۳۳۹: شکل ۷-۶ عطایی، ۱۳۸۴: ۲۸۳، لوحه ۹۳: ۱
۷	21c3	خاکستری-نارنجی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، ساده	هخامنشی- فراهخامنشی	استروناخ، ۱۳۳۹: شکل ۱۱۳: ۱
۸	55e7	نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، پوشش غلیظ نخودی بر بیرون، ساده	هخامنشی- فراهخامنشی	Labrousse & Bouchartat, 1974: 145, fig 48: 5
۹	47e7	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	هخامنشی - سلوکی	Oates, 1958, PIXXIII:12,22 and XXIV: 23
۱۰	55a9	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، لعاب گلی سبز پسته‌ای بر هر دو، ساده	هخامنشی - سلوکی	دومبروشیچی، ۱۳۷۶: ۱۰۵، شکل ۵۵۴ Delougaz & Kantor, 1996: Pl 73: L Oates & Oates, 1958: Pl XXIII:13
۱۱	42d10	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش قهوه‌ای بر هر دو، ساده	فراهخامنشی	Weeks et al, 2009: 319, fig 3.136 TND 2038 استروناخ، ۱۳۳۹: شکل ۱۱۹: ۲۹
۱۲	50i5	نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	سلوکی	Oates & Oates, 1958: Pl XXVI: 13
۱۳	55i5	نخودی مایل به سبز، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	سلوکی	Ibid.Pl XXIII: 3,33 Petrie et al, 2009:603, fig 4.115: TS45
۱۴	35i5	نخودی تیره، ترکیبی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش؟، ساده	سلوکی	Oates & Oates, 1958: Pl XXIII:Z
۱۵	75d10	خاکستری روشن، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، کانی، پوشش غلیظ از خود، ساده	سلوکی	Ibid.Pl XXVIII:7
۱۶	80e7	خاکستری روشن، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، ساده	سلوکی - پارتی	Wenke, 1976: fig12:368
۱۷	85g1	نارنجی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، ساده	سلوکی-پارتی	Ibid. fig 12:534
۱۸	65b6	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، لعاب فیروزه‌ای بر هر دو، ساده	ایلمایی	Labrousse & Bouchartat, 1974:127, Fig 36: 8
۱۹	59b6	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، لعاب سبز تیره بر هر دو، ساده	ایلمایی	Alizadeh, 1985: 190, fig1 : L
۲۰	47e7	صورتی (نخودی-نارنجی)، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش از خود بر هر دو، ساده	—	—
۲۱	41j2	نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش قرمز بر هر دو، نقش کنده موازی	ایلمایی	Keal & Keal, 1981: 46, fig 9 :27
۲۲	83d10	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش از خود بر هر دو، ساده	ایلمایی	Alizadeh, 1985: 190, fig1 : L
۲۳	47e7	نخودی تیره، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش از خود بر هر دو، ساده	ایلمایی تا اوایل ساسانی	Whitcomb, 1985:223, fig 78: a and 53, fig 57: 5
۲۴	27c3	قرمز-قهوه‌ای، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، پوشش رقیق از خود بر هر دو، ساده	ایلمایی- ساسانی	Keal & Keal, 1981: 46, fig16:2
۲۵	80d10	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، لعاب فیروزه‌ای بر هر دو، ساده	ایلمایی- ساسانی	Whitcomb, 1985: 51, fig16: c Whitehouse, 1972: PIVIII10
۲۶	9j2	خاکستری، کانی، چرخ‌ساز، زمخت، ناکافی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، ساده	ساسانی	Keal & Keal, 1981:47, fig11: 28
۲۷	59j2	خاکستری، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، ساده	ساسانی	Ibid.48, fig 14 :6
۲۸	54b6	نخودی مایل به سبز، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، پوشش غلیظ از خود بر هر دو، نقش افزوده پندنگشتی	ساسانی	Wenke, 1976: fig7:226
۲۹	51b1	نارنجی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کانی، پوشش از خود بر هر دو، نقش کنده و نوک انگشتی	ساسانی	Lamberg-Karlovsky, 1970: 9, fig3: D Whitcomb,1985,149, fig56: K
۳۰	51b6	نارنجی، کانی، چرخ‌ساز، زمخت، ناکافی، نقش برجسته با تزئین پندنگشتی بر بیرون	ساسانی	Ibid.117, fig42: h Azarnuosh, 1994:184

محوطه باستانی کن‌بینو در دوره اسلامی

مطالعه سفال‌ها نشان می‌دهد که محوطه کن‌بینو در دوره اسلامی، از قرون اولیه تا دوره صفوی مسکون بوده است (لوحه ۴). بدین صورت که در قرون اولیه اسلامی تقریباً تمام محوطه مسکون بوده و پس از آن در قرون میانه اسلامی وسعت استقرار کمتر شده و کمتر از نیمی از محوطه مسکون بوده است؛ اما در دوره صفوی، این محوطه از وسعت چندانی برخوردار نبوده است. از نمونه‌های شاخص دوره اسلامی، می‌توان ظروف منقوش موسوم به شبه پیش از تاریخی (پیش از تاریخی دروغین)، سفال با تکنیک‌های لعاب یک‌رنگ و چندرنگ، نقاشی زیرلعاب، زرین‌فام و چینی‌های آبی و سفید دوره صفوی را نام برد. یکی از یافته‌های مهم دوره اسلامی، حجم نسبتاً زیاد ظروف سفالی موسوم

► لوحه ۴: برخی نمونه‌های سفالی محوطه کن بینو (طرح: قادر شیروانی، ۱۳۹۱).



به سلادون است (لوحه ۴: ۱۹-۱۷). سفال سلادون، یکی از انواع سفال‌هایی است که از شرق دور وارد ایران شد. از قرن چهارم هـ.ق، این سفال‌های ظریف به‌طور گسترده، در فلات ایران مبادله می‌شده است (محمدی‌فر و بلمکی، ۱۳۸۷: ۹۵).

فراوانی سفال‌های به‌دست آمده از محوطه کن بینو به تفکیک دوره‌های فرهنگی

همان‌طور که گفته شد، هر یک از نمونه‌های شاخص سفالی نماینده گروهی از سفال‌ها با ویژگی‌های مشابه فنی و تکنیکی است؛ بنابراین پس از گونه‌شناسی نمونه‌های سفالی که در واقع نماینده گروه‌ها بوده‌اند، تمام سفال‌های به‌دست آمده از محوطه نیز به تفکیک دوره‌ها طبقه‌بندی شدند. در این میان تعدادی سفال که به‌دلایلی چون: فرسودگی زیاد، بسیار کوچک بودن، نبود نمونه گاهنگاری شده‌ی مشابه و یا به‌دلیل ایستایی گونه‌شناسی (دارک، ۱۳۷۹: ۱۰۷-۱۰۶) قابل گاهنگاری نبودند، در گروه نامشخص طبقه‌بندی شده‌اند. در این طبقه‌بندی در مواردی تفکیک سفال‌های برخی دوره‌های متوالی مشکل بوده، چراکه این تفکیک خصوصاً در مورد سفال‌های ساده بیشتر براساس ویژگی‌های فنی و فیزیکی سفال از جمله خمیره، رنگ خمیره، نوع آمیزه و میزان پخت با توجه به نمونه‌های گاهنگاری شده به انجام رسید. این مشکل در طبقه‌بندی سفال‌های پیش از تاریخ و سفال‌های ایلامی بیش از دوره‌های دیگر نمایان بود، به‌عنوان مثال تفکیک بدنه‌های ساده سفالی مربوط به نیمه اول و نیمه دوم هزاره پنجم ق.م. تقریباً نشدنی است و یا در مورد ایلام تفکیک سفال‌های آماری ایلام قدیم تا جدید نیز همین مشکل وجود دارد. بنابراین به‌دلیل کاهش میزان خطا، سفال‌های پیش از تاریخ در یک گزینه و سفال‌های ایلام قدیم تا جدید در یک گزینه و تحت عنوان ایلام قرار گرفته‌اند. نتایج این طبقه‌بندی انجام شده نشان می‌دهد که از مجموع سفال‌های به‌دست

جدول ۴: کاتالوگ سفال مربوط به لوحه ۴ (قادر شیروانی، ۱۳۹۱).

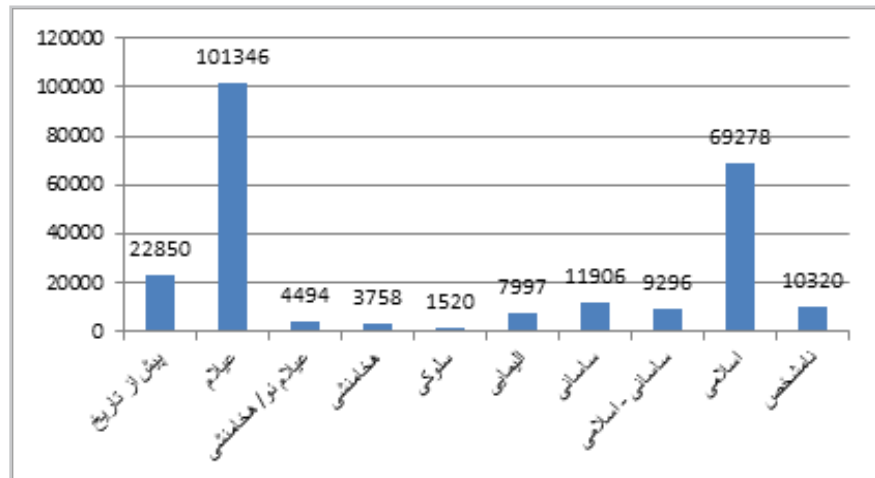
شماره طرح	نام واحد	توصیف (رنگ خمیره، آمیزه، نوع ساخت، کیفیت ساخت، میزان پخت، پوشش، تزئین)	دوره / محدوده زمانی	توضیحات / منبع کاوشگری
۱	9i5	نخودی مایل به سبز، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، لعاب فیروزه‌ای بر هر دو، نقش کنده و افزوده زیر لعاب بر بیرون	ساسانی-اسلامی	Whitehouse, 1972: PlXb Kervran, 1979: 203, fig 61: 6
۲	49h8	نخودی، کانی (دانه درشت)، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش از خود بر هر دو، ساده	ساسانی-اسلامی	Whitcomb, 1985: 57, fig 19: f
۳	38b6	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، زمخت، کافی، لعاب سبز تیره، نقش کنده و افزوده زیر لعاب	ساسانی-اسلامی	Kervran, 1979: 203, fig 61: 5, 6 Lane, 1947: fig 3
۴	75a9	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، لعاب فیروزه‌ای بر هر دو، تزئین برجسته (دسته)	ساسانی-اسلامی	Rosen, 1974: 191, fig 58: 7
۵	47h8	نخودی مایل به زرد، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش غلیظ نخودی از خود بر بیرون، نقش افزوده بندانگشتی و نقش کنده شانه‌ای بر بیرون	ساسانی-اسلامی	مرتضایی، ۱۳۸۳: ۱۵۲؛ طرح ۴: ۶
۶	47e7	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش رقیق از خود بر هر دو، نقش کنده شانه‌ای بر بیرون	ساسانی-اسلامی	Guilbert, 1984: 161, fig 14: 5
۷	42c3	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش رقیق از خود بر هر دو، نقش کنده موج و شانه‌ای بر بیرون	ساسانی-اسلامی	Kervran, 1977: 107, fig 27: 14 Whitcomb, 1985: 59, fig 20: e
۸	27a9	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش رقیق از خود بر هر دو، نقش کنده موج بر بیرون	ساسانی-اسلامی	Ibid. 55, fig 18: e Kervran, 1984: 65, fig 33: 2
۹	47c3	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، لعاب زربین‌فام، نقش سبز پسته‌ای بر لعاب سربی	قرون ۳-۶ هجری	Watson, 2004: 282 توحیدی، ۱۳۸۶: ۳۷۹ گروه، ۱۳۸۴: ۲۰۲
۱۰	47b6	نخودی مایل به زرد، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، کافی، زربین‌فام، نقش زرد متمایل به قهوه‌ای روی لعاب خاکستری بر داخل	قرون ۳-۶ هجری	همان: ۲۲۱ Watson, 2004: 191-197
۱۱	68c3	نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، کافی، گلابه‌ای، رنگ مشکلی-زرد-قرمز بر داخل و نقش بیرون از بین رفته است.	قرون اولیه اسلامی	—
۱۲	77h8	نارنجی، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، لعاب بر هر دو، نقش سیاه با لعاب زیر لعاب زرد حثایی بر زمینه قرمز	قرن ۳ هجری	گروه، ۱۳۸۴: ۷۰
۱۳	68h8	نارنجی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، نقش قهوه‌ای تیره و فیروزه‌ای با لعاب زیر لعاب سبز شفاف بر هر دو	اوایل اسلامی	Watson, 2004: 175
۱۴	18e7	کرم، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، پوشش غلیظ از خود، نقش قرمز-قهوه‌ای بر بیرون و داخل لیه	قرون ۴-۷ هجری	—
۱۵	10a9	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، نقش قرمز بر داخل و لیه + وصلی و آثار رنگ فلز در آن	قرون ۴-۷ هجری	ویتکمب، ۱۳۸۲: ۹۲؛ شکل ۴: b
۱۶	47e7	نخودی-نارنجی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، ناکافی، نقش قرمز بر بیرون	قرون ۴-۷ هجری	همان: ۹۴؛ شکل ۵: e و ۵
۱۷	81b6	سبز تیره، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، کافی، کنده موازی زیر لعاب بر بیرون و نقش برجسته گیاهی بر داخل، لیه دالبری (سلادن)	قرون ۳-۵ هجری	Whitehouse, 1972: Pl XI
۱۸	83b6	سبز تیره، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، کافی، تزئین برجسته زمر لعاب (سلادن)	قرون ۳-۵ هجری	اسمعیلی‌جلودار و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۲؛ تصویر ۵: ۱
۱۹	54i5	خاکستری، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، کافی، نقش افزوده گیاهی بر بیرون و لعاب خاکستری روی نقش گیاهی (سلادن)	قرون ۳-۵ هجری	Whitehouse, 1972: 8: Pl. Xa
۲۰	42h8	نخودی مایل به زرد، گیاهی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، لعاب پاشیده فیروزه‌ای زیر لعاب شفاف بر هر دو	قرون ۲-۳ هجری	کیانی، ۱۳۷۹: ۱۴۶-۱۴۷ گروه، ۱۳۸۴: ۴۴
۲۱	73j2	نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، لعاب بر هر دو، نقش قهوه‌ای تیره زیر لعاب فیروزه‌ای بر بیرون	قرون ۶-۷ هجری	همان، ۱۳۸۴: ۱۶۱ Whitcomb, 1985: 71, fig 25: s
۲۲	81b6	نخودی تیره، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، کافی، لعاب بر هر دو، بیرون لعاب آبی سفید و داخل لعاب سفید	قرون ۱۰-۹ هجری	Jenkins: 41: fig 46
۲۳	66a9	نخودی تیره، کائولن، چرخ‌ساز، ظریف، کافی، لعاب آبی ترک ترک شده بر هر دو، نقش کنده زیر لعاب بر داخل و بیرون	قرون ۵-۶ هجری	Watson, 2004: 320: L19
۲۴	81f4	نخودی تیره، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، لعاب آبی روشن بر داخل و تزئین لعاب بر بیرون - ساده	قرون اولیه اسلام	Whitcomb, 1985: 69, fig 24: b
۲۵	79h8	نخودی تیره، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، کافی، لعاب بر داخل، سبک آبی سفید (چهارخانه‌های آبی سورمه‌ای)	قرون ۷-۸ هجری	Watson, 2004: 403-404 Fehrvari, 1998: 61. No 49
۲۶	81g1	سفید، کائولن (چینی)، چرخ‌ساز، ظریف، کافی، نقش آبی بر داخل و کتیبه چینی بر بیرون (کف)	قرن ۱۰-۹ هجری	خاموشی، ۱۳۸۸: ۱۲۹

آمده از محوطه، تعداد ۲۲۸۵۰ قطعه مربوط به پیش از تاریخ، تعداد ۱۰۱۳۴۶ قطعه مربوط به دوره ایلامی، تعداد ۴۴۹۴ قطعه ایلام نو-هخامنشی، تعداد ۳۷۸۵ قطعه مربوط به دوره هخامنشی، تعداد ۱۵۲۰ قطعه سلوکی و تعداد ۷۹۹۷ قطعه الیمایی، تعداد ۱۱۹۰۶ قطعه ساسانی، تعداد ۹۲۹۶ قطعه ساسانی-اسلامی، تعداد ۶۹۲۷۸ قطعه اسلامی و تعداد ۱۰۳۲۰ قطعه نامشخص بوده است (شکل ۳).

نتیجه‌گیری

وجود آثار و محوطه‌های باستانی متعدد و شاخص از دوره‌های مختلف فرهنگی در منطقه بهبهان و دشت زیدون و در مقابل، نبود اطلاعات و دانسته‌های باستان‌شناختی جامع از این منطقه، بر ضرورت انجام یک پژوهش باستان‌شناختی جامع، بر روی یکی از شاخص‌ترین محوطه‌های باستانی با بیشترین گستره استقرار از لحاظ

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: (شیروانی، ۱۳۹۱)



► شکل ۳: نمودار فراوانی سفال به دست آمده از محوطه کن بینو مربوط به دوره‌های مختلف (قادر شیروانی، ۱۳۹۱).

مکانی و زمانی تأکید داشت. از این رو مطالعه و بررسی محوطه کن بینو (تل گوینه)، با وسعت بیش از ۲۵۰ هکتار، به‌عنوان بزرگ‌ترین محوطه باستانی شناسایی شده در دشت زیدون و در بر گیرنده‌ی توالی فرهنگی متعدد، از پیش از تاریخ تا قرون متأخر اسلامی، تا حدودی این مهم را عملی می‌سازد.

مطالعه سفال‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد که این محوطه از اوایل هزاره ششم ق.م. در پیش از تاریخ مسکون شده و این استقرار در چند بخش مجزا از محوطه تا اوایل هزاره چهارم ق.م. ادامه یافته است. این موضوع نشان می‌دهد که در این دوره، منطقه جمعیت نسبتاً زیادی از جوامع پیش از تاریخی در خود جای داده و تراکم و نزدیکی دهکده‌ها به این نکته اشاره دارد. پس از آن، احتمالاً یک وقفه استقراری تا اوایل هزاره سوم ق.م. در محوطه به‌وجود آمده است؛ اما در دوره ایلام قدیم، باری دیگر بخش‌هایی از محوطه مسکون شده است. شاید بتوان گفت که از دوره ایلام قدیم این محوطه به یکی از شهرهای شهر ایلامی تبدیل شده و در دوره ایلام میانه و جدید به اوج خود می‌رسد. در دوره‌های هخامنشی، سلوکی، الیمایی و ساسانی نیز این محوطه مسکون بوده است. بیشترین گستره استقرار محوطه در قرون اولیه اسلامی بوده که تقریباً تمام محوطه مسکون بوده و بی‌شک با توجه به حجم زیاد یافته‌های این دوره در محوطه می‌تواند یکی از شهرهای مهم دوره ساسانی-اسلامی منطقه به‌بهان باشد، اما در قرون میانی اسلامی وسعت استقرار کم‌تر شده و پس از آن در قرون متأخر اسلامی و هم‌زمان با آخرین دوره استقرار، دوره صفوی این محوطه از وسعت چندانی برخوردار نبوده است.

سپاسگزاری

بدون شک انجام بررسی روشمند باستان‌شناختی بر روی محوطه‌ای به وسعت ۲۵۰ هکتار و مطالعه حجم زیاد یافته‌های آن به تنهایی قابل انجام نیست. نگارندگان بر خود لازم می‌دانند که از تمامی کسانی که در بخش‌های مختلف بررسی روشمند محوطه کن بینو همکاری داشته و یا با رهنمودهای خود انجام این پژوهش را ممکن ساختند، تشکر نمایند؛ به‌ویژه آقایان دکتر کامیار عبدی، محمدتقی عطایی، نوروز رجبی، شهرام زارع و دکتر سیدرسول موسوی حاجی که در مراحل مختلف این کار رهنمودهای فراوان و مفید خود را عرضه داشتند، آقایان عزیز اله‌پور، سید مصطفی

دانشاد، مسعود جانیپور، مهرداد پارسایی و چنگیز حاتمی که مسئولیت نمونه‌برداری را در بخش میدانی این بررسی بر عهده داشتند. آقایان آریوبرزن توکلی، جواد خدادوست، وحید فاتحی و علی‌اکبر آبتین در طبقه‌بندی یافته‌ها همکاری کردند، خانم‌ها مرضیه علی‌محمدی و اکرم کمالی در پشت‌نویسی یافته‌ها و آقایان مهدی قائم‌پناه، مرتضی عطائی و صادق روستایی که در تهیه گزارش بررسی و مطالعه یافته‌ها همکاری دوستانه خود را مبذول فرمودند.

کتاب‌نامه

- استروناخ، دیوید، ۱۳۷۹، پاسارگاد، گزارشی از کاوش‌های انجام شده توسط موسسه مطالعات ایرانی بریتانیا (از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳)، ترجمه حمید خطیب شهیدی، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.
- اسمعیلی جلودار، محمد اسماعیل، زهره زهبری و حسین توفیقیان، ۱۳۹۰، «بررسی بازرگانی میان‌دریایی بندر ماهرویان خلیج فارس و بنادر هند و چین در دوران اسلامی بر پایه گونه‌شناسی و طبقه‌بندی سفال‌های سلادن به‌دست آمده از کاوش و بررسی باستان‌شناختی در آن محل»، همایش ملی هنر اسلامی، دانشکده هنر دانشگاه بیرجند، بیرجند، صص: ۱-۲۸.
- اقتداری، احمد، ۱۳۷۵، خوزستان و کهگیلویه و ممسنی؛ جغرافیای تاریخی و آثار باستانی، چاپ دوم، موسسه فرهنگی آیات، تهران.
- توحیدی، فائق، ۱۳۸۶، فن و هنر سفال‌گری، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران.
- جانسون، گرگوری ا، ۱۳۸۸، «سازمان متغیر دستگاه اداری اوروک در دشت شوشان»، باستان‌شناسی غرب ایران زیر نظر فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، انتشارات سمت، تهران، صص ۲۷۴-۲۱۷.
- خاموشی، لیلا، ۱۳۸۸، «آنالیز چند قطعه از چینی‌های آبی و سفید دوره یوان در مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به روش STM» (PIXE)، XRF، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس؛ دوفصلنامه تحلیلی - پژوهشی باستان‌شناسی، تاریخ هنر و مطالعات میان‌رشته‌ای، مجله انجمن علمی دانشجویان گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان، صص: ۱۲۳-۱۳۱.
- دارک، کن. آر، ۱۳۷۹، مبانی نظری باستان‌شناسی، ترجمه کامیار عبدی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- دومیروشیجی، پی‌یر، ۱۳۷۶، «لایه‌نگاری «یلامی جدید» در شوش (حدود ۱۱۰۰ تا ۵۴۰ ق.م.)»، شوش و جنوب‌غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی (سیر تکامل اجتماعی و فرهنگی از هزاره هفتم ق.م. تا یورش مغول)؛ گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار بلو، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه هایده اقبال، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص: ۸۹-۹۵.
- رایت، هنری ت، ۱۳۸۸، «پسکرانه‌های شوشان در دوران شکل‌گیری حکومت‌های نخستین»، باستان‌شناسی غرب ایران زیر نظر فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت، صص ۳۳۹-۲۸۵.
- شیروانی، قادر، ۱۳۹۰، گزارش بررسی روشمند باستان‌شناختی محوطه باستانی کن بینو (تل گوینه)، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.

- شیروانی، قادر، ۱۳۹۱، بررسی روشمند باستان‌شناختی محوطه باستانی کن بینو (تل گوینه) واقع در دشت زیدون شهرستان بهبهان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشگاه زاهدان (منتشر نشده).
- کیانی، محمد یوسف، ۱۳۷۹، پیشینه سفال و سفال‌گری در ایران، انتشارات نسیم دانش، تهران.
- گاوبه، هاینس، ۱۳۵۹، ارجان و کهگیلویه؛ از فتح عرب تا پایان دوره صفوی، ترجمه سعید فرهودی، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- گروه، ارنست ج.، ۱۳۸۴، سفال اسلامی، ترجمه فرناز حائری، جلد هفتم از گزیده ده جلدی مجموعه هنر اسلامی، گردآوری دکتر ناصر خلیلی، نشر کارنگ، تهران.
- گیرشمن، رومن، ۱۳۷۳، چغازنبیل (دوراوتاش)، زیگورات، ترجمه اصغر کریمی، جلد اول، چاپ اول، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- عبدی، کامیار، ۱۳۷۸، «کاسه لبه‌وار یخته: کاربرد و پراکندگی»، باستان‌شناسی و هنر ایران (۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت‌الله نگهبان)، به کوشش عباس علیزاده، یوسف مجیدزاده و صادق ملک شه‌میرزادی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۸، صص: ۶۴-۸۴.
- عبدی، کامیار، محمدتقی عطائی و شهرام زارع، ۱۳۸۷، گزارش فصل دوم بررسی باستان‌شناسی شهرستان بهبهان - خوزستان، جلد ۴، بایگانی اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده).
- عطایی، محمد تقی، ۱۳۸۳، معرفی سفال هخامنشی حوزه فارس: بررسی روشمند طبقه‌بندی شده باروی تخت جمشید، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت‌مدرس، منتشر نشده.
- عطایی، محمد تقی، ۱۳۸۴، «سفال دوره هخامنشی و منطقه‌بندی آن»، مجموعه مقالات دومین همایش باستان‌شناسان جوان ایران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل امور فرهنگی، تهران، صص: ۲۵۵-۲۸۴.
- علیزاده، عباس، ۱۳۶۹، «اشغال جنوب خوزستان به‌دست ایماپیان؛ طرح یک نظر»، ترجمه: جعفر تال بلاغی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال چهارم، شماره اول، شهریور، صص ۳۴ تا ۴۴.
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۲، الگوهای استقرار و فرهنگ‌های پیش از تاریخی دشت شوشان براساس تحلیل مجموعه حاصل از بررسی ف. ج. ل. گرملیزا، ترجمه لیلا پاپلی یزدی - عمران گاراژیان، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران.
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۳، منشاء نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس: تل باکون، کوچ نشینی باستان و تشکیل حکومت‌های اولیه، ترجمه کوروش روستایی، چاپ اول، ناشر بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد، مرودشت.
- محمدی‌فر، یعقوب، بهزاد بلکمی، ۱۳۷۸، «هنر سفال‌گری در دوره صفویه، بررسی تکنیک و نقش‌مایه‌های هنری»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، پاییز، صص: ۹۳-۱۰۲.
- مرتضایی، محمد، ۱۳۸۳، «گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطه جرجان»، گزارش‌های باستان‌شناسی (۳)، پژوهشکده

- باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، صص: ۱۵۵-۱۸۸.
- مفیدی نصر آبادی، بهزاد، ۱۳۸۳، گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه باستانی هفت‌تپه در زمستان ۱۳۸۳، منتشر نشده، آرشیو پژوهشگاه باستان‌شناسی.
- نگهبان، عزت‌الله، ۱۳۷۲، حفاری هفت تپه، دشت خوزستان، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- ویتکمب، دونالد، ۱۳۸۲، «سفال‌های پیش از تاریخ دروغین از جنوب ایران»، ترجمه محسن زیدی، باستان‌پژوهی، شماره ۱۱، تهران، پاییز، صص: ۸۴-۹۵.
- هول، فرانک، ۱۳۸۸، «باستان‌شناسی دوره روستانشینی»، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه: زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت، صص ۱۵۶-۵۰.

- Alden, John Robert, 1979, Regional Economic Organization in Banesh Period Iran, A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirement for the Degree of Doctor of Philosophy (Anthropology) in The University of Michigan, Michigan.

- Alizadeh, Abbas, 1985, Elymaean Occupation of Lower Khuzestan During the Seleucid and Parthian Periods: A Proposal, Iranica Antiqua, Vol. XX, pp: 175-195.

- Alizade, abbas, 2006, "The origins of state organizations in prehistoric highland fars, southern Iran excavation at tall-e bakun", the oriental institute of the university of Chicago, illinois.

- Alizadeh, Abbas, 2008, Chogha Mish II, The Development of a Prehistoric Regional Center in Lowland Susiana, Southwestern Iran, Final Report on the Last Six Seasons of Excavations, 1972-1978, Oriental Institute of the University of Chicago, Oriental Institute Publications, Volume 130, Chicago.

- Azarnoush, Massoud, 1994, and Barbara Helwing, Recent Archaeological Research in Iran- Prehistori to Iron Age, pp: 189-246

- Carter, Elizabeth, 1971, Elam in the Second Millennium B.C.: The Archaeological Evidence, A Dissertation Submitted to the Faculty of the Division of the Humanities in Candidacy for the Degree of Doctor of Philosophy, Department of Near Eastern Languages and Civilizations, The University of Chicago, Chicago.

- Carter, Elizabeth, 1994, The Middle Elamite Building at Anshan (Tal-e Malyan)

در مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره پیاپی ۱۳ و ۱۴، سال هفتم، شماره اول و

دوم، تهران، ۱۳۷۲، بخش انگلیسی: ۱۲-۲۸.

- Carter, Elizabeth, 1996, Excavations at Anshan (Tal-e Malyan): The Middle Elamite Period, Malyan Excavation Reports, William m. Sumner, Series Editor, Volume II, Published by The University Museum of Archaeology and Anthropology, University of Pennsylvania, Philadelphia.

- Delougaz, Pinhas, Helen J. Kantor, 1996, Chogha Mish, Volume I, The First Five Seasons of Excavations 1961-1971, Part 2: Plates, Edited by Abbas Alizadeh, Oriental Institute of the University of Chicago, Oriental Institute Publications, Volume 101, Chicago.

- De Miroschedji, Pierre, 1981(a), Fouilles du Chantier Ville Royale

II à Suse, Délégation Archéologique Française en Iran (D.A.F.I), vol. 12, Paris, pp. 9-137.

- De Miroschedji, Pierre, 1981(b), Observation dans les Couches néo-élamites au nord-ouest du Tell de la Ville Royale à Suse, Délégation Archéologique Française en Iran (D.A.F.I), vol. 12, Paris, pp. 143-168.

- De Miroschedji, Pierre, 1981(c), Prospections Archeologiques au Khuzistan en 1977, Délégation Archéologique Française en Iran (D.A.F.I), vol. 12, Paris, pp. 169-192.

- Derwett, P.L., 1999, Field Archaeology; an Introduction, UCL press, London.

- Dollfus, Geneviève, 1983, Tépé Bendbal, travaux 1977, 1978, Délégation Archéologique Française en Iran (D.A.F.I), vol. 13, Paris, pp. 133-276.

- Egami, Namio, 1962, and Seiichi Masuda, Marv-Dasht I, The Excavation at Tall-I-Bakun 1956, The Tokyo University Iraq-Iran Archaeological Expedition, Report 2, Tokyo.

- Fehervari, Geza, 1998, Pottery of the Islamic World in Tareq Rajab Museum, Published by Tareq Rajab Museum, Kuwait.

- Guilbert, Hardy Cl., 1984, Les Niveaux Islamiques du Secteur Apadana-Ville Royale, Délégation Archéologique Française en Iran (D.A.F.I), vol. 14, Paris, pp. 121-210.

- Jenkins, Marilyn, 1983, Islamic Pottery, a Brief History, The Metropolitan Museum of Art Bulletin, v. 40, no. 4.

- Keall, Edward J., Marguerite J. Keall, 1981, Qal'eh-i Yazdigird Pottery: A Statistical Approach, Iran, Journal of the British Institute of Persian Studies, Volume XIX, London, pp: 33-80.

- Kervran, Monique, 1977, Les Niveaux Islamiques du Secteur Est de l'Apadana. 2e Partie. Le Matériel Céramique, Délégation Archéologique Française en Iran (D.A.F.I), vol. 7, Paris, pp. 75-162.

- Kervran, Monique, 1979, III Le Matériel Archeologique, Délégation Archéologique Française en Iran (D.A.F.I), vol. 10, Paris, pp. 177-237

- Kervran, Monique, 1984, Le Matériel Archéologique, Délégation Archéologique Française en Iran (D.A.F.I), vol. 14, Paris, pp. 50-94.

- Labrousse, Aurdan, 1974, et Remy Boucharlat, La Fouille du Palais Chaour à Suse en 1970 et 1971, Délégation Archéologique Française en Iran (D.A.F.I), vol. 2, Paris, pp. 61-168.

- Lamberg-Karlovsky, C. C., 1970, Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1969, Progress Report I, Cambridge, Massachusetts.

- Lane, A., 1947, Early Islamic Pottery Mesopotamian, Egypt and Persia, Faber and Faber Ltd, London.

- Langsdorff, Alexander, Donald E. McCown, 1942, Tall-I-Bakun A, Season of 1932, The University of Chicago, Oriental Institute Publications, Volume LIX, The University of Chicago Press, Chicago.

- Nishiaki, Yoshihiro, 2003, Catalogue of Archaeological Materials in the Department of Archaeology of Western Asia, Part 6, Prehistoric Pottery from the Marv Dasht Plain, Iran, The University Museum, The University of Tokyo, Material Report No. 51, Tokyo.

- Nissen, H.J., L. Redman, 1971, Preliminary Notes on an Archaeolog-

ical Surface Survey In the Plain Of Behbahan and Lower Zuhreh Valley. Bastanshenasi va Honar-e Iran, 6, pp: 48-50

- Oates, David, Joan Oates, 1958, Nimrud 1957: The Hellenistic Settlement, Iraq, British Institute for the Study of Iraq, Vol. 20, No. 2, pp: 114-157.

- Orton, C., 2000, "Sampling", In L.Ellis(ed.), archaeological method and theory:An Encyclopedia, New York and London, pp: 539-542

- Petrie, C.A, A. Asgari-Chaverdi and M. Seyedin, 2009, Excavation at Tol-e Spid, at The Mamasani Archaeological Project Stage One, Edited by D. T. Potts, K. Roustaei, C.A. Petrie, and L.R. Weeks, Published by Iranain Center for Archaeological Research, Deputy of Research, Tehran, pp: 89-134, Figures pp: 449-638

- Rosen-Ayalon, 1974, Niveaux Islamiques de la "Ville Royale", Délégation Archéologique Française en Iran (D.A.F.I), vol. 2, Paris, pp. 169-203.

- Schmidt, Erich F., 1957, Perspolis II, Contents of the Treasury and Other Discoveries, Oriental Institute Publications, Volume LXIX, The University of Chicago, Chicago.

- Taylor, Helen, 2007, The Stein Collection (Periodisation of Bakun Period Survey Material, Collected by Sir Marc Aurel Stein in Highland Fars, Iran), Dissertation Submitted in Partial Fulfilment of the Riquirements for the Degree of MA in Archaeology of the University of London, UCL Institute of Archaeology, London.

- Watson, Oliver, 2004, Ceramics from Islamic Lands, Published by Thames & Hudson Ltd.

- Weeks, L.R, K.S. Alizadeh, L. Niakan, K. Alamdari, A. Khosrowzadeh and M. Zeidi, 2009, Excavation at Tol-e Nurabad, at The Mamasani Archaeological Project Stage One, Edited by D. T. Potts, K. Roustaei, C.A. Petrie, and L.R. Weeks, Published by Iranain Center for Archaeological Research, Deputy of Research, Tehran, pp: 31-88, Figures pp: 239-448.

- Wenke, Robert J., 1975-1976, Mesopotamia, Rivista di Archeologia, Epigrafia e Storia Orientale Antica, X-XI, Centro Scavi Di Torino Per Il Medio Oriente e L'Asia, a Cura dell'Istituto di Archeologia dell'Universita di Torino, Torino.

- Whitcomb, Donald S., 1985, Before the Roses and Nightingales, Excavations at Qasr-I Abu Nasr, Old Shiraz, Published by The Metropolitan Museum, New York.

- Whitehouse, David, 1972, Excavation at Siraf: Fifth Interim Report, Iran, Journal of the British Institute of Persian Studies, Volume X, pp: 63-88.

vey. Pottery studying shows that this site has occupied as early as the 6th millennium B.C. and continued in some parts of the site as early as 4th millennium B.C. This indicates that in this period large number of population were living in the region. Possibly afterward, an interruption on the settlement by the early 2nd millennium B.C. has occurred. According to pottery evidences, due to the rarity of data, almost nothing attributed to the first half the 4th and 3rd millennium B.C. It will be clear by digging in the site. Once again, part of the site has been populated in the Old Elamite period. It might be said that it has been converted to a city by Elamite from the old Elamite period and reaches its climax in the middle and New Elamite period. It has been also populated during Achaemenid, Seleucid, Eliamaied and Sassanid. Almost all of the area have been inhabited in the Islamic era. Doubtless, it could be one of the most important cities of Behbahan region in the Sassanid – Islamic period due to the large amount of findings. But the population was decreased the extent of settlements in the Middle Islamic Ages and then, reoccupied by Late Islamic centuries, Safavid. After this period, the site of Tel-e Guvineh is abandoned forever.

Keywords: Behbahan Township, Kon-e Binoo site, Systematic Survey, Elamite Civilization, Pottery

PAZHOHESH-HA-YE
BASTANSHENASI IRAN
Archaeological Researches of Iran
Journal of Department of Archaeology
Faculty of Art and Architecture
Bu-Ali Sina University

The Chronology of Kon-e Binoo (Tel-e Guvineh) on the Basis of Potteries Collected via Systematic Survey

Qader Shirvani

Ph. D. Candidate in Archaeology, Bu-Ali Sina University
gshiravani@gmail.com

Reza Mehr Afarin

Associate Professor, Department of Archaeology in Mazandaran University

Maryam Kurdestani

M.A in Archaeology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Received: 2014/03/28 - Accepted: 2014/06/14

Abstract

Although numerous archaeological activities carried out in Khuzestan over last century, but less attention has been paid to the eastern parts, including the Behbahan. doing a systematic study on one of the major sites of the region is essential due to the geographical location and suitable environmental conditions such as: permanent rivers, fertile plains and communications and commercial position of the city and existence of many monuments and archaeological sites of different cultural periods in contrast to the lack of a comprehensive archaeological information from different cultural periods. Kon-e Binoo (Tel-e Guvineh), is the largest site which has been identified in Zeidoon plain on the Zohreh River bank contains several cultural period. A systematic survey of the area was conducted in 2012 using systematic classified sampling. The importance of the site during various cultural periods is visible by a large amount and variety of surface finds and cultural material. Here, more than 250,000 culture finds have been studied such as: pottery, stone tools and equipment, stone vessels, pendants and metal and rocky decorative beads, coins, metal and glass objects and ornaments, figurines, seals, arrowheads made of stone and metal, pieces of glass wares, metal slag and weld furnace, architectural remains, pottery kilns, workshop of stone tools and etc. Comparing the finds, especially pottery and chronology of the site is very important in recognition of the cultural sequence of the region. This could pave the way for future studies, including recognition of inter-regional cultural interactions. In this paper, the main question is: Kon-e Binoo by which episode of time has been settled? So, in this regard, it has been tried to consider the chronology and recognize its settlement period based on the results of typological and comparison of ceramic samples obtained from a systematic sur-